

حسن حسینی
عضو هیأت علمی
دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه
Hoseini5a@yahoo.com

سنت‌های الهی و سقوط و صعود تمدن‌ها

چکیده :

عوامل از هم پاشیدگی و سربلندی اجتماع یا نقش سنت‌های الهی در سقوط و صعود تمدن‌ها و اجتماعات، محورهای اساسی پژوهش حاضر است که بدان پرداخته می‌شود.

در بررسی سنت‌های الهی، وسایل و پدیده‌های گوناگونی به عنوان ابزار امتحان انسان معرفی شده تا مسلمین در ارتباط با حوادث و مشکلات، مورد آزمایش قرار گیرند و مؤمنین واقعی از منافقان ممتاز گردند.

تحقیق حاضر علت سقوط بعضی از اقوام گذشته (همچون؛ نوح، عاد، ثمود، لوط، سبأ و...) را نیز در جایگاه خاص خود مورد مطالعه قرار می‌دهد و سپس مهم‌ترین عواملی که در سقوط و صعود تمدن‌ها نقش اساسی را ایفاء نموده‌اند، مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد.

توجه به این نکته که بعضی از عوامل در سقوط همه تمدن‌ها مشترک بوده و بعضی دیگر خاص یک تمدن یا اجتماع انسانی بوده است می‌تواند کمک شایانی در شناخت علل سقوط و صعود تمدن‌ها باشد.

کلید واژه :

سنت‌های الهی، صعود، سقوط، تمدن‌ها، اجتماعات، تکامل.

مقدمه

سنت‌های الهی (divinetradition) و شناخت عوامل اصلی سقوط و صعود تمدن‌ها و اجتماعات به ویژه تمدن‌ها و اجتماعاتی که نام آنها در قرآن آمده است (نوح، عاد، ثمود، لوط و سبأ و ..) یکی از مهم‌ترین مباحثی است که بررسی و تحقیق پیرامون آنها در هر دوره تاریخی از ضروریات است.

لذا از آن جایی که طبق دیدگاه اسلام، تمامی جوامع بشری بر طبق سنت‌های الهی به زندگی خود ادامه می‌دهند، شناخت قوانین الهی در مورد هر شیء یا پدیده‌ای به منظور پیش بینی سرنوشت آن و به حرکت انداختن در جریان بهتر، مطمئن‌ترین و سریع‌ترین راه رسیدن به مقصود است. ما نیز در صورتی می‌توانیم به جامعه آرمانی دست یابیم که سنن الهی را بشناسیم، علل سقوط و صعود تمدن‌های پیش از خود را مطالعه کنیم تا بدانیم که: چگونه امواج انحطاط و هلاکت، تمدنی را در گرداب قهر خویش فرو می‌برد؟ چرا مسلمانان پس از گذراندن یک دوره عزت و ترقی به سیر قهقرایی دچار آمده‌اند؟ آیا افراد یا اقوام یا جریانات خاصی مسبب این تحولات شده‌اند یا مقتضای طبیعت زمان چنین بوده است که سیر حرکت تاریخ همراه با دگرگونی باشد؟ استفاده از آیات قرآن کریم و تفاسیر ارزشمند آن به طور کامل می‌تواند گامی جهت رسیدن به مقصود باشد تا بیشتر به ضعف‌ها و نقص‌های خود و جامعه‌ی خویش پی ببریم و از تکرار آنها بپرهیزیم و آن چه صعود دهنده و اعتلاء بخش فرهنگ و تمدن ما می‌باشد را تقویت نماییم.¹

این واژه از ریشه «سن» گرفته شده است.

السَّنن: 1- طریقه، روش، نمونه. 2- راه و روش²

(سَننَ) الطَّرِيقَةُ: در آن راه و روش گام گذاشت. (سَننَ) عَلَیْهِمُ السَّننَةُ: آن سنت را

برای آنان وضع کرد³

السَّننَةُ: پیشانی هر دو طرف جانب آن، روی یا رخسار، طبیعت و روش و طریقه⁴

قرآن کریم نیز با تعبیری مانند «سَننَةُ اللَّهِ» و «سَننَتُنَا» (سنت ما)، «سُرْعَةُ الْأَوَّلِینَ»⁵

(=سنت پیشینیان)، «سَننَةُ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا»⁶ (=سنت پیامبران الهی قبل از تو)،

«سُننَ الدِّینِ مِنْ قَبْلِکُمْ»⁷ (سنت‌های گذشتگان) سنت، را هم به خدای متعال نسبت می‌دهد

و هم به انسان‌ها. برای اینکه بینش و گرایش الهی و توحیدی ما را تقویت و تحکیم کند، از

اینرو اصطلاح «سنت الهی» به معنی عام‌تر آن بر «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد» یا

«روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اراده می‌کند» اطلاق

می‌شود.

سنت‌های الهی را بر دو قسم می‌توان تقسیم کرد:

1- سنت‌های مطلق: که در موارد ذیل به کار می‌رود.

الف) سنت هدایت به توسط انبیاء؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

«و پروردگار تو هرگز هلاک کننده شهرها و روستاها نبوده تا آن که

(طبق سنت جاریه خود) در مرکز آنها رسولی برانگیزد که آیات و

نشانه‌های (توحید و اهداف خلقت) ما را بر آنها بخواند و ما هرگز (پس از

ارسال پیامبران نیز) هلاک کننده شهرها و روستاها نبودیم مگر در حالی که

آنها ستمکار بودند.»⁸

ب) سنت‌های آزمایش: برای این که سنت آزمایش تحقق یابد خداوند متعال انسان

را با وسایلی گوناگون در مدرسه حیات و زندگی به امتحان می‌کشانند، این وسایل و امور

گاهی از اجزاء وجودی خود انسان هستند مانند چشم و گوش و قلب و سایر اعضا و

زمانی از امور خارج از انسان است که به نوعی به آنها علاقمند است مانند: مال و فرزند،

پست و مقام، حب و بغض، عشیره و دوست و... و گاهی اموری مانند مرگ و مصائب شدائد.

علاوه بر این موارد؛ انبیاء الهی، زینت‌های دنیوی، دشواری‌ها و سختی‌های در راه دین، شکست‌ها، پیروزی‌ها، شیطان و القائنات شیطانی و بسیاری از موارد دیگر را نیز می‌توان از موارد ابتلاء و امتحان الهی به شمار آورد.

2- سنت‌های مقید و مشروط:

انتخاب و موضع‌گیری خوب و بد مردم در قبال تعالیم و احکام الهی سبب روی نمودن یک سلسله از سنت‌های الهی دیگر شده که معلول رفتار مردمند و سنت‌های مقید و مشروط نامیده می‌شوند.

عام‌ترین و کلی‌ترین سنتی که خدای متعال در پی اعمال انسان‌ها در نظر می‌گیرد، سنت «امداد» است. بدین معنا که یاری و کمک خداوند همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد اعم از اینکه اهل حق باشند یا اهل باطل. توجه در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که امدادهای الهی به جویندگان دنیا محدود به حدودی است. در حالی که امدادهایی که به طالبان آخرت می‌شود حد و مرز ندارد، زیرا میل‌ها و اهواء اهل دنیا متزاحم و متعارض است و برآوردن آنها نه ممکن و مقدور است و نه موافق مصلحت و حکمت. ولی خواسته‌های اهل آخرت تزاحم و تعارض نمی‌یابد و همه آنان می‌توانند به هر چیزی که می‌خواهند برسند مشروط بر این که از هیچ کوششی برای تحصیل معرفت هرچه بیشتر، نیت هر چه پاک‌تر و عمل هر چه بهتر فرو گذار نکنند⁹. علاوه بر سنت «امداد» سنت‌های دیگری نیز وجود دارند که بعضی از آنها اختصاص به اهل حق دارد مثل: زیادت نعمت‌های معنوی و اخروی، تحیب و تزیین ایمان، زیادت نعمت‌های مادی و دنیوی، پیروزی بر دشمنان و... هم‌چنین بعضی مختص به اهل باطل است مثل: زیادت ضلالت، تزیین اعمال، املاء و استدراج، امهال، شکست از دشمنان، ابتلاء به مصائب و...

اما مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در سنت‌های الهی دیده می‌شود عبارتند از: دوام و استمرار، فراگیری و شمول و ثبات است که مختص به یک زمان یا یک دوره تاریخی

نیستند. بلکه در تمام زمان‌ها و مکان‌ها به جریان خود ادامه می‌دهند و مسیر و حرکت تاریخ را می‌سازند.

بررسی موضوعی

قرآن کریم در راه بیداری انسان از خواب غفلت و بهوش آمدنش از مستی قدرت و امکانات و نعمت‌های زندگی و به منظور دریدن پرده‌های غرور، سرکشی، خودمحوری و طغیان‌گری، نمونه‌های تکان دهنده‌ای از عناصر و سلسله‌های اقوام ستم پیشه و عصبانگر را با سرانجام دردناکشان طی آیات متعددی ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد، چگونه آنهایی که از نظر مال، اولاد، عشیره، قبیله، آبادانی شهرها و روستاها و مزارع و باغات و داشتن وسائل رفاه و زندگی مجلل توانمند بودند بدلیل طغیان در برابر حق و عدل، طبق سنن الهی هلاک شدند و به سرنوشتی شوم و عبرت‌انگیز گرفتار آمدند.

مراحل سقوط و صعود برخی از این اقوام و امت‌ها عبارتند از:
قوم نوح

در زمان حضرت نوح (ع) فساد در زمین شایع شد¹⁰ و مردم از دین توحید و سنت عدل اجتماعی اعتراض کردند و به عبادت بت روی آوردند. خداوند، بت‌ها را «ود»، «سواع»، «یغوث»، «یعوق» و «نسر»¹¹ نامیده و به تدریج، طبقات از هم دورتر و دورتر شدند. پس اقویاء با اموال و اولاد، حقوق ضعیفاء را ضایع کردند و جباران، دیگران را به استضعاف می‌کشیدند¹² و آن چه خود می‌خواستند درباره‌ی ایشان، حکم می‌کردند.¹³ نکته قابل توجه این که طبقه ملاً و برخوردار از رفاه در قوم نوح یکی از مهم‌ترین عوامل سقوط معنوی این قوم به شمار می‌آیند زیرا به مقابله شدید با انبیاء الهی بر می‌خیزند. اگر احیاناً از دین دم می‌زنند، آن دین و مذهبی است که موقعیت آنان را حفظ و منافع ایشان را فزونی می‌بخشد! ضمناً فرهنگ استثمار و استکباری آنان را حفظ می‌کند که در حقیقت دین، تابع آنهاست، نه آنها تابع دین.

لذا مشخص می‌شود که عامه مردم در زمان حضرت نوح (ع) بیشتر به منافع مادی و لذت‌های زودگذر و کاذب دنیوی متمایل بوده‌اند تا به مقامات معنوی و لذا بد مستمر واقعی. با این حال انقلاب و حرکت جامعه توحیدی حضرت نوح (ع) توانست تمام ارزش‌ها و فرهنگ جامعه پیشین را دگرگون نماید و حاکمان زورمند و طبقه بالای مستکبر را به ذلت و هلاکت کشاند و با امداد الهی نسل شان را منقرض می‌نماید.¹⁴

آری، هر چه طغیان و سرکشی بیشتر باشد، عذاب و قهر الهی¹⁵ بر آن جامعه شدیدتر خواهد بود.¹⁶ هم چنانکه در جامعه حضرت نوح (ع)، انذار و دعوت به سوی حق، تأثیری نبخشید و سرانجام عذاب الهی از زمین و آسمان آنان را فرا گرفت.

قوم عاد

حضرت هود (ع) دومین پیامبری بود که بعد از حضرت نوح (ع) برای دفاع از حق و کوبیدن شرک و دوگانه پرستی برخاست. او با تحمل محنت‌ها و مصائب بی‌شمار قدم در راه خدا نهاد. اما قوم عاد هم چون دیگر اقوام ستم پیشه، از طریق هدایت خارج شده و راهی را در پیش گرفتند که هلاکت آنان را در پی داشت و این عاقبت کفر و نافرمانی و مخالفت در برابر حق بود.

خداوند سبحان درباره این قوم می‌فرماید:

«آیا ندیدی که پروردگارت به قوم عاد چه کرد که دارای قصر با

ستون‌هایی بودند که همانندش در شهرها نبود»¹⁷.

لذا این قوم پیوسته به نعم الهی متنعم بودند تا این که نفوس و درویشان را تغییر دادند. در ایشان «وثنیت» و شرک پیدا شد و بر بلندی‌های زمین و ارتفاعات آن بناهایی مانند برج به عنوان علامت می‌ساختند. بدون جهت و هدف و به خاطر فخر فروشی و از روی هوی و هوس قلعه می‌ساختند و پنداری که همیشه در جهان خواهند ماند و طاغوت‌ها و مستکبران‌شان را اطاعت می‌کردند. پس خدا آنان را عذاب نمود¹⁸ و سنت

پائیز 86 سنت‌های الهی و سقوط و صعود تمدن‌ها 51
الهی این جامعه منحرف را هلاک کرد¹⁹ و تومار هستی آنها را در هم پیچید²⁰، تا جامعه از انحراف به مسیر اصلی افتد²¹.

قوم ثمود

این قوم نیز امتی از عرب بودند²²، متمدن و شهرنشین بودند، به آبادانی زمین پرداختند و در دشت، قصر می‌ساختند و کوه‌ها را به جهت خانه می‌تراشیدند که مأوای مطمئن داشته باشند²³. چون قوم ثمود، ربّ خود را فراموش کرد و اسراف نمود، خداوند حضرت صالح بنی (ع) را به سوی ایشان فرستاد.²⁴ سپس ایشان را به توحید خداوند سبحانه خواند و اینکه عبادت بت‌ها را رها کنند و در مجتمع خود به عدل و احسان رفتار نمایند و در زمین علّو، اسراف و طغیان نمایند و ایشان را به عذاب ترسانید²⁵. از او خواستند که از صخره کوه، بچه شتری بیرون آید. سپس ایشان طغیان و مکر کردند و شقی‌ترین خود را برای قتل ناقه برانگیختند. سپس او ناقه را پی کرد. و به صالح گفتند: آن چه را به ما از عذاب وعده دادی بیاور اگر راستگو هستی²⁶ پس صاعقه ایشان را گرفت²⁷. بعد از هشدار حضرت صالح باز قومش متنبه نشده ایمان نیاوردند و چنان که قرآن فرمود:
«به طعنه گفتند: ای صالح تو از پیامبرانی، آنچه که گفتی (وعده عذاب) عملی سازد. این چنین خداوند این قوم سرکش و عاصی را بعد از این امتحانات نابود و هلاک فرمود²⁸».

قوم لوط

پس از تصفیة قوم ثمود، خداوند بر اساس سنت خویش، قوم دیگری را جانشین آنان کرد. اما اینان نیز فرهنگ شرک و بت پرستی را برگزیدند و عمل «لواط» و هم‌جنس بازی در بین آنان شایع شد. وعظ و دعوت حضرت لوط (ع) آنها را سودی نبخشید و به اعتقادات نادرست و عمل شنیع خود ادامه دادند، تا آن جا که از میهمانان او نیز نگذشتند و استغاثه حضرت لوط (ع) و التجاء به مردانگی و قومیت، آنها را کارگر نیفتاد. در این قوم همه چیز مرده و به جای آن، شرک و شهوت رانی و دزدی رواج داشت و اثری از

خداپرستی و ارتباط با مبدأ هستی دیده نمی‌شد. جامعه به کلی از مسیر خلقت فاصله گرفت و منحرف شد و خداوند هم طبق سنت خویش و به وسیله نیروهای غیبی با به کار گرفتن همان آب و خاکی که به آن دل بسته بودند هلاکشان کرده و از ایشان اثری جز در تاریخ نماند.²⁹

قوم سبأ

خداوند سبحان در قرآن کریم از آیات 15 تا 19 سوره مبارکه سبأ، از تمدن درخشان دیگری نام می‌برد که بر اثر کفران بر باد رفت.³⁰ اما این مردم ناسپاس در برابر آن همه نعمت‌های بزرگ الهی که سرتاسر زندگانی آنها را فراگرفته بود (مانند بسیاری از اقوام متنعم دیگر) گرفتار غرور و غفلت شدند و راه ناسپاسی پیش گرفتند و به دستورهای الهی بی‌اعتنا گشتند.³¹ همان گونه که بنی اسرائیل از «من» و «سلوی» (دو غذای آسمانی) خسته شدند و از خداوند پیاز و سیر و عدس تقاضا کردند.³² در بیان چگونگی نزول عذاب بر این قوم خداوند متعال می‌فرماید: اما آنها (از خدا) روی گردان شدند، و ما سیل و پیرانگر را بر آنان فرو فرستادیم، و دو باغ (پر برکت) شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم. این کیفر را به خاطر کفران شان به آنها دادیم، و آیا جز کفران کننده را کیفر می‌دهیم؟!³³

شعیب (ع) و اصحاب ایکه

قوم حضرت شعیب (ع) از اهل «مدین» قومی متنعم به امنیت و رفاه و فراوانی بودند.³⁴ پس خداوند حضرت شعیب (ع) را به سوی ایشان فرستاد او را امر کرد که آنان را از عبادت صنم (بت) و نیز از فساد در زمین و نقص کیل و ترازو نهی نماید و او آنان را بیم از عذاب و بشارت به نعیم داد و هلاکت قوم نوح، صالح و لوط را یادآوری نمود و آنچه بیشتر به آنان گوشزد کرد و موعظه نمود و احتجاج کرد، ایشان را جز طغیان و سرکشی و کفر و فسق نیفزود.³⁵ حضرت شعیب (ع) آنان را به خودشان واگذاشت³⁶ و گفت: پروردگارا! بین من و ایشان، گشایش به حق نما. تو بهترین گشایش گرانی. سپس

خداوند، عذاب «یوم الظّله» را بر ایشان فرو فرستاد³⁷. در مورد قوم حضرت شعیب (ع)، خصوصاً آیات، به ظلم معاملی و انحراف اقتصادی تکیه فراوانی دارد و از آن به «فساد در زمین» تعبیر می‌کند.³⁸ از اینجا معلوم می‌شود، همان گونه که خداوند به گسترش کلمه توحید و اعتلای آن در جامعه، عنایت دارد به عدالت و اقتصاد عادلانه نیز توجه می‌کند و جامعه‌ای را که در آن، نظام معامله، مبادله و معیار رفع نیاز مادی مردم برهم می‌ریزد، جامعه‌ای فاسد و منحرف می‌داند، گرچه افراد آن جامعه، بظاهر موحد و خداپرست باشند.

قوم فرعون و بنی اسرائیل

با توجه به آیات قرآنی، پس از ورود برادران حضرت یوسف (ع) به مصر،

بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) در مصر مستقر شدند و پس از اوج‌گیری اجتماعی رو به ضعف رفتند و قوم «قبط» بر آنها تسلط یافتند و رؤسای قبط (فراعنه) بر مصر و نیل حاکم شدند.³⁹ فرعون در روی زمین، استکبار کرد و خود را پروردگار برتر خواند⁴⁰ و ملأ او طی سالیان دراز، فرزندان اسرائیل را به استضعاف کشیدند، تا آن جا که وقتی از حرکت و شورش آنان بیمناک شد تصمیم گرفتند فرزندان پسر آنها را در بدو تولد بکشند تا مردی برای جنگ و شورش علیه نظام حاکم قبط باقی نمانده باشد. زنان آنها را نیز به بیگاری گرفتند و قصرهای عظیم خود را بر گرده آنان و همچنین آن دسته از مردانی که باقی مانده بودند می‌ساختند.⁴¹

حضرت موسی (ع) بعد از گذر از حوادث بسیاری که در مسیر زندگی او اتفاق

افتاد، خداوند او را به پیامبری برگزید و به منظور نجات بنی اسرائیل برای مبارزه با فرعون و ملأ او به مصر گسیل داشت.⁴² بدین ترتیب طومار زندگی فرعون و قوم کافر و عصیانگر او که قرن‌ها بنی اسرائیل را به استضعاف کشیده بود در هم پیچیده شد و بار دیگر سنت الهی در زمین تحقق یافت.⁴³

اما یک نکته قابل توجه در این جا آن است که بسیاری از اقوام صالح بعد از رهایی از دست اقوام ظالم به فساد و طغیان روی می‌آورند، چرا که قرآن کریم می‌فرماید: زمانی که در کشتی سوارند و دچار مخاطرات دریا می‌شوند، خدا را مخلصانه می‌خوانند و آن هنگام

که ایشان را از آن مهلکه نجات می‌دهیم مشرک می‌شوند.⁴⁴ علت این امر از آن جا مشخص می‌شود که جامعه نجات یافته، به تدریج آن توجهی را که قبلاً به غیب و خدا داشت فراموش می‌کند و ارزش‌های واقعی به ضعف می‌گراید و به جای این‌ها به منظور ادامه انقلاب و استقرار ارزش‌های الهی و انقلابی به طلبکاری بر می‌خیزد و اکثر آنان با حرص و ولع به بهره‌وری مادی روی می‌آورند و به رفاه و رفتن به سفرهای پر خرج و رنگارنگ، تمایل می‌یابند و در ریاست طلبی و ارتزاق ثمرات خون‌های پاک ریخته شده، از یکدیگر سبقت می‌گیرند و از این طریق استکبار جان می‌گیرد و جامعه به صورتی بر می‌گردد که پیش از آن بوده است.

بنابراین امت‌ها از عرش عزت خویش فرو نیفتادند و نامشان از لوح وجود محو نگردید. مگر پس از اینکه از سنن الهی که براساس حکمت بالغه خداوندی است سر پیچی نمودند و سرنوشت هیچ قومی از عزت سلطنت و رفاه و امن و راحتی تغییر نکرد تا آن که آنان نور عقل و سلامت فکر و فروزندگی بصیرت و عبرت‌پذیری خویش نسبت به امم سابق و تدبیر در احوال گذشتگان را تغییر دادند و از سنت عدل عدول کردند و از راه بینائی و حکمت خارج شدند. « إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ »⁴⁵ این آیه، یکی از اصول اجتماعی اسلام را نیز چنین بیان می‌کند که مهم‌ترین اصل در پیروزی و شکست و خوشبختی و بدبختی یک جامعه مردم آن جامعه هستند و عوامل بیرونی در مراحل بعدی قرار می‌گیرند⁴⁶

در سقوط و انحلال هر تمدن و اجتماع انسانی عواملی چند دخالت می‌کند که در برخی از تمدن‌ها نسبت به تمدن‌های دیگر وضوح بیشتری دارند. اهم این عوامل عبارتند از:

1- عدم اطاعت و فرمانبرداری از رهبران واقعی و الهی جامعه

بررسی در احوال بسیاری از اقوام نشان می‌دهد، آن‌گاه که خداوند رهبران الهی خویش را می‌فرستاد، مردم قدر و منزلت آنها را نمی‌شناختند و به راه باطل خویش ادامه می‌دادند و گویا در این مسئله کمتر استثنائی وجود دارد در حالی که خداوند می‌فرماید: وای به حال این بندگان که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد. جز آنکه او را به تمسخر و استهزاء گرفتند.⁴⁷

2- اعراض و روی گردانی از حق

قرآن کریم در سوره فصلت ضمن هشدار به همگان در مورد اعراض و روی گردانی از حق و آیات حق، خاطر نشان می‌سازد که: اگر آنها روی گردان شوند بگو: من شما را از صاعقه‌ای همانند صاعقه عاد و ثمود می‌ترسانم.⁴⁸

3- وجود طبقات مترف⁴⁹

مترفین به طبقه‌ای از بزرگان مرفه گویند که مال و خدمتکار بسیار داشته و از نعمت راحتی و آقایی بهره‌مندند تا آن‌که نفس‌هایشان سست شده و در فسق و فجور، غوطه‌ور می‌شوند و به مقدسات و ارزش‌های جامعه توهین نموده و متعرض اعراض و حرمت‌ها می‌گردند. اگر کسی جلو این گونه افراد را نگیرد در زمین فساد به راه می‌اندازند و فحشاء را شایع می‌سازند و بالاخره امت را به نابودی می‌کشند.⁵⁰

«و ما هیچ رسولی در دیاری نفرستادیم جز آن‌که ثروتمندان عیاش

آن دیار به رسولان ما گفتند: ما به رسالت شما کافریم و هیچ ایمان و عقیده

به شما نداریم و باز گفتند که ما بیش از شما مال و فرزند داریم و در

آخرت هم هرگز رنج و عذابی نخواهیم داشت.»⁵¹

4- ظلم و بی‌عدالتی

ظلم در اصطلاح قرآن شامل هر گونه انحراف از موازین حق و تجاوز از حدود و قوانین حاکم بر فرآیند تکامل موجودات و یا آن انجام هر نوع عملی است که مغایر با وضعیت صحیح یا حرکت و تغییر تکاملی پدیده‌ها باشد.⁵²

بعضی مفاهیمی که در قرآن به آنها ظلم اطلاق شده عبارتند از:

الف- تکذیب آیات الهی و روی گردانی از اطاعت حق: « فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا »⁵³

ب- شرک و بت پرستی: « يَا قَوْمِ إِن كُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ »⁵⁴

ج- سرپیچی از احکام الهی: « وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ »⁵⁵

د- پیروی از کفار « وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ »⁵⁶

هـ- افتراء و دروغ بستن به خدا: « وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ »⁵⁷

و- کتمان شهادت الهی: « وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ »⁵⁸

ز- باز داشتن مردم از راه و رسم و تعالیم الهی - تکبر و فخر فروشی - سرقت

...

5- عبرت نگرفتن از انقراض امت‌های پیشین

عبرت نگرفتن از انقراض امت‌های پیشین نیز یکی از عواملی اصلی سقوط

تمدن‌هاست که در هر دوره برگی عبرت انگیز به تاریخ می‌افزاید.

6- غرور و خودخواهی

غرور و خودخواهی در هر شرایطی اگر به معنای اعراض از حق باشد مخرب و

ویرانگر است حتی در میدان جنگ.

«خداوند شما را در مواقعی بسیار یاری کرد و نیز در جنگ حنین

که فریفته و مغرور بسیاری لشکر اسلام شدید و آن لشکر بسیار اصلاً به

ڪار شما نيآمد و زمين بدان فراخي بر شما تنگ شد تا آن كه همه رو به

فرار نهاديد.»⁵⁹

7- دنیا دوستی

دنیا دوستی و فریفته شدن به آن در هر عصری یکی از عوامل سقوط امت‌ها محسوب می‌شود چرا که این پدیده شوم تمام پلیدی‌ها را در خود دارد.

8- ناسپاسی و کفران نعمت

کفران نعمت تنها به عدم شکرگزاری در مورد خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها خلاصه نمی‌شود بلکه کفران نعمت‌هایی چون نعمت داشتن فرهنگ و تمدن پیشرفته و علم و معرفت و .. را نیز شامل می‌شود.⁶⁰

9- ترک امر به معروف و نهی از منکر

ترک امر به معروف و نهی از منکر و گناهکاری یکی از بزرگترین عواملی است که انسان را از رحمت خدا دور و مانع اجابت دعا می‌شود. چرا که خدای سبحان پیشینیان را از رحمت خود دور نکرد مگر بخاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمودند و سفیهان را به جهت اینکه بر مرکب گناهان سوار شدند و خردمندان را بدان سبب که نهی از منکر نکردند از رحمت خود دور گردانید.

10- اختلاف و تفرقه

همه به ریسمان دین خدا چنگ زنید و متفرق نشوید.⁶¹ اختلاف و تشتت قلوب و آراء سبب سستی و ضعف نیرو و قدرت مؤمنان می‌گردد. از این رو جامعه نیز بجای قوت رو به ضعف و درگیری داخلی می‌رود و قهراً مورد هجوم کفر خارجی قرار می‌گیرد و مستحق عذاب الهی می‌شود و به سقوط نزدیک می‌گردد.

11- سستی در دفاع و جهاد

حضرت علی (ع) بارها سستی یاران خویش را مورد انتقاد قرار داده و پیرامون کوتاهی ایشان در نبرد هشدار داده که: گویی شما را در برخی از حمله‌ها، در حال فرار، ناله کنان چون گله‌ای از سوسماری می‌نگرم که نه حقی را باز پس می‌گیرید، و نه ستمی را باز می‌دارید، اینک این شما و این راه گشوده، نجات برای کسی است که خود را به میدان افکند به مبارزه ادامه می‌دهد و هلاک از آن کسی است که سستی ورزد.⁶² سستی در دفاع

و جهاد از آن جهت که راه را جهت سیطره و حکومت باطل می‌گشاید صدمات جبران ناپذیری را بر اجتماع وارد می‌کند.

12- عداوت و دشمنی

عداوت و دشمنی نیز از آن جهت عامل سقوط و از هم پاشیدگی اجتماع است که مانع رشد و حرکت الی الله می‌شود و خوف آن است که این عداوت به عدم امنیت جامعه و از بین رفتن بسیاری از اهداف انسانی منتهی شود.

13- هواپرستی

سریع‌ترین عاملی که سقوط امت‌ها را بدنبال می‌آورد هواپرستی دنیاپرستان و ستمکاران است. اینان به دلیل تمرکز قدرت و انحصار ثروت که مایه فساد و هواپرستی است جرثومه فساد و تباهی می‌شوند، در مرداب هلاکت سقوط کرده و دیگران را نیز به سقوط می‌کشانند.

14- علو و برتری جوئی

قرآن کریم می‌فرماید: براستی که فرعون خصلت برتری جویی و طغیان در روی زمین داشت.⁶³ در هر دوره تاریخی گروهی از حاکمان نادان با افتخار به کثرت اموال و اولاد احتمال نزول عذاب را بر خود منتفی می‌دانستند و توجه نداشتند که اموال و اولاد وسیله آزمایش آنهاست. در نتیجه علو و برتری جوئی آنان را از اوج خودستایی و غرور به زیر آورد و بدترین شکست‌ها و حقارت‌ها را نصیبشان نمود و عبرتی برای آیندگان قرار داد.

15- مسخ ارزش‌ها

طغیان و بیدادگری آثار زینبارش را در درون و برون انسان بر جای می‌گذارد. اثر وصفی آن رفته رفته در دل و جان و اندیشه ظاهر می‌شود، موجب تیره گی قلب می‌گردد و باعث می‌شود عصیانگران به نوعی مسخ شدگی کشیده شده و بر کنار پرتگاه سقوط واقعی برسند، بطوری که زشت را زیبا بنگرند و تباهی را اصلاح و صلاح، و این خصلت دیگر سردمداران ستمکار است. آنان بر اثر سیاست‌های ظالمانه قدرت درک و شناخت حقیقی را

از دست می‌دهند زبانیشان از بیان واقعیت‌ها باز می‌ماند و گوش جانیشان نمی‌شنود و قلبشان از درک حقایق ناتوان می‌گردد. دچار مهرزدگی بر قلب، مهرزدگی بر گوش و مهرزدگی بر چشم‌ها می‌شوند و این جاست که ضد ارزش‌ها را ارزش، رذیلت را فضیلت، خفقان را امنیت، ذلت را عزت نام می‌نهند.⁶⁴

16- اسراف و تبذیر

اسراف، تجاوز از حد در هر کاری است و تبذیر، بذر نابودی آن کار است توسط کسی که عاقبت کارش را نمی‌داند. قرآن کریم می‌فرماید: و به اسراف و عجله مال آنها را حیف و میل نکنید.⁶⁵ بنابر این، اسراف و تبذیر دوبلایی است که در قرآن و روایات اسلامی به شدت از آنها نهی شده و از عوامل قطع نعمت و فرود نعمت به شمار می‌رود.

17- جهل و نادانی

جهل اگر چه به ظاهر مخرب نیست اما در حقیقت یکی از عوامل اصلی سقوط جامعه تلقی می‌شود، خواه این جهل نسبت به افراد جامعه باشد و خواه نسبت به دشمنان جامعه.

18- تقلیدهای کورکورانه

از آن جایی که محال است فردی از نوع انسانی یافت می‌شود که در تمام شئون زندگی تخصص داشته باشد و آن اصولی را که زندگیش متکی به آنهاست مستقلاً اجتهاد و بررسی کند قهراً محال است که انسانی یافت شود که از تقلید و پیروی غیر خالی باشد. بله تقلید در آن مسائلی که خود انسان می‌تواند به دلیل و علتش پی ببرد تقلید کورکورانه و غلط است، هم چنانکه اجتهاد در مسئله‌ای که قدرت ورود بدان مسئله را ندارد، یکی از رذایل اخلاقی است که باعث هلاکت اجتماع می‌گردد و مدینه فاضله بشری را از هم می‌پاشد.⁶⁶

19- دوستی با کفار و دشمنان دین

قرآن کریم می‌فرماید: «اهل ایمان، یهود و نصاری را به دوستی مگیرید، آنان بعضی دوستان بعضی دیگرند و هر که از شما مؤمنان با آنها

دوستی کند (در کفر و ستمگری)، به حقیقت از آنان خواهد بود و همانا خداوند ستمکاران را هدایت نخواهد کرد.»⁶⁷

20- رهبران و فرمانروایان نالایق

مسلمان واقعی هنگام اشتغال به پست‌های ریاست و رهبری، ریاست را امانتی بر عهده خویش تلقی می‌کند و از اندوختن ثروت، ریا و دورویی خود را به دور نگه می‌دارد تا دچار لغزش نگردد. چرا که آنرا وسیله امتحان الهی می‌داند. و حضرت علی (ع) می‌فرماید: چهار چیز سیر قهقرایی دولت‌ها را دلیل است: از بین بردن امور سیاسی و چسبیدن به کارهای فرعی و مقدم داشتن انسان‌های پست و مؤخر داشتن انسان‌هایی با فضیلت.⁶⁸

21- کم فروشی و گران فروشی

کم فروشی امنیت اقتصادی جامعه را مختل می‌کند زیرا هر کس تنها به فکر خویش است و با مکر و حيله و ضرر زدن به غیر خودش، سعادت جامعه را در معرض خطر و انقراض قرار می‌دهد. لذا اهمیت این موضوع تا جایی است که در یکی از سوره قرآنی عمل مطلقین به شدت مورد تقبیح قرار گرفته و می‌فرماید:

«وای بر کم فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمان می‌کنند حق خود را بطور کامل می‌گیرند، اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند کم می‌گذارند. آیا آنها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند.»⁶⁹

بنابراین کم فروشی و گران فروشی مایه نابودی کشت و زرع و انقراض نسل انسان است و تمدن‌ها را بسوی نابودی و هلاکت سوق می‌دهد.

22- رشوه خواری

زشتی عمل رشوه تا جایی است که تمام نظام‌های جهانی آن را مورد نکوهش قرار داده اند، در قرآن کریم لفظ رشوه یا هم خانواده آن بکار نرفته ولی توسط تعبیراتی چون اثم و سحت و .. از آن نهی شده است.

23- رباخواری

ربا آنچنان تأثیر سوئی دارد که بنیان دین را نابود کرده و اثر آن را محو می‌کند و زندگی نوع بشر را به فساد می‌کشاند و فطرت انسانی را می‌پوشاند. در فقیه و تهذیب از امیرالمؤمنین (ع) آمده است که: رسول خدا (ص) ربا خورنده و فروشنده و خریدار و نویسنده و شاهدان آن را لعن کرده است.⁷⁰

24- گناه و فساد

بین گناه زشتی و فساد و ویرانی جامعه‌ها و انحطاط تمدن‌ها پیوند آشکار و ناگسستی وجود دارد. هر ملتی که مردمش آلوده به هواها و هوس‌ها، مستی‌ها و پستی‌ها، رذالت‌ها و اسارت‌ها باشد نمی‌توند بر اقتدار و پابرجا در برابر تجاوزات و یورش‌های دشمنان مقاومت کند و از کرامت و حیثیت و شرف ملی و دینی خود دفاع کند. در نتیجه به سقوط و هلاکت می‌رسد.

25- استکبار گرایی

مراجعه به آیات قرآن نشان می‌دهد که استکبار و خودبینی صفت مشترک تمام امت‌های هالکه بوده است که با عناد و سرکشی و استکبار عمومی، زمینه هلاکت و نابودی خویش را فراهم آورده‌اند. به عنوان مثال:

«قوم نوح (ع) و هر آنچه آنان را به مغفرت تو خواندم، انگشت بر گوش نهادند و جامه رخسار افکندند و بر کفر اصرار و لجاج ورزیدند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند.»⁷¹

26- استعمارگران و دشمنان داخلی و خارجی ملت‌ها

تاریخ، اشکال مختلف استعمار را در لباس‌ها و رنگ‌های گوناگون به تصویر می‌کشد. قرآن کریم فرعون و کارگزارانش را از استعمارگرانی معرفی می‌کند که نه تنها قوم بنی اسرائیل را تحت ستم قرار داده و از آنها بیگاری می‌کشیدند بلکه افکار و اراده آنان را نیز از آن خود می‌دانستند⁷²، در جوامع کنونی نیز استعمار رنگ دیگری به خود گرفته و در کشورهای کمونیستی با سانسور شدید و مرزهای بسته اعمال می‌شود، در کشورهای

کاپیتالیستی و سرمایه داری غرب در لباس آزادی با در دست گرفتن کلیه وسایل ارتباط جمعی افکار مردم را به شدت استعمار می‌کند و هر فکر و ایده‌ای که منافع آنها را تأمین کند به صورت تبلیغات فریبنده به خورد مردم می‌دهند.⁷³

27- شیوه فرمانروایان ستمگر

تحمیق، تطمیع و ارعاب، مهم‌ترین شیوه و خصلت تمامی فرمانروایان ستمگر است. آنان که با تطمیع، دنیا طلبان و بی‌آرمان‌ها را به خدمت می‌گیرند و با تحمیق و تظاهر و ادعاهای پوچ مردم بی اراده و ساده لوح را می‌فریبند، تهدید و ارعاب و بر چسب زدن و القاب تراشیدن و فشار و سرکوب مذبحخانه نیز یکی از راه‌هایی است که آرمان خواهان و توحید گرایان و عدالت طلبان را برای مدتی هم که شده پشت ابرهای سیاه قدرت طلبی خود محصور و محبوس می‌سازد.

28- ارتجاع طلبی

طرفداری جدی از خرافات و موهومات، دفاع از آداب و سنن جاهلیت حاکم، پای بندی به ضد ارزش‌ها و مخالفت با هر تحول و حرکت تکاملی و آزادی بخش، خصلت دیگر حاکمان استبداد پیشه و ستمکار است. آنها وقتی قدرت و امکانات جامعه را به انحصار خود در می‌آورند مصلحت خود را در این می‌نگرند که چشم مردم را از واقع نگری‌ها ببندند و از هر نوع آرمان خواهی جلوگیری کنند.

به همین جهت هم، خود را موجودی جدا بافته و برتر و حتی خدای خلق

می‌پندارند و ضعیت موجود را ایده‌آل و بی نظیر اعلان می‌کنند و با هر بعثت و حرکت اصلاح طلبانی مخالفت می‌کنند و به زور عریان و نیمه عریان توسل می‌جویند⁷⁴ بنابراین آداب و رسوم جاهلی از یک طرف انسان را از حرکت تکاملی باز می‌دارد و از طرف دیگر راه پیمودن طریق باطل را هموار می‌کند، در نتیجه تبعیت از آنها پایانی جز هلاکت و نابودی نخواهد داشت.

29- به استضعاف کشیدن توده‌ها

تضعیف مخالفان، ستم و استبداد و تحمیل خفت و خواری به توده‌ها و نیروهای بالنده، سلب هر نوع وسیلهٔ احقاق حق و چاره‌اندیشی، خاموشی هر صدای حق طلبانه و عدالت خواهانی، ایجاد اختناق و وحشت و افکندن سایهٔ ترس و مرگ بر سر همه از دیگر خصلت‌های حاکمان ستمکار است⁷⁵

30- بخل ورزی

از پیامبر اسلام (ص) روایت شده که فرمود: کسی که یکی از خویشاوندانش چیزی از او طلب کند و بخل ورزد خداوند در روز قیامت از جهنم ماری می‌فرستد که در حالی که زبانش را بیرون آورده، زنجیر گردن او می‌شود، و این آیه را تلاوت فرمود: « وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ »⁷⁶ و گفته شده است که در روز قیامت طوقی از آتش برگردن او می‌آویزند.⁷⁷

31- استعباد

به بندگی و اسارت کشیدن توده‌ها و بهره‌کشی ظالمانه از آنها، یک دیگری از ویژگی‌های سردمداران کفر است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: رعایت حق کسی که او حقش را محترم نمی‌شمارد نوعی بردگی است.⁷⁸

32- سلب آزادی از مردم

در یک اجتماع بی‌بهره از آزادی نه تنها مردم عادی بلکه علماء و دانشمندان نیز از کلیه حقوق خود محروم می‌شوند. در یک چنین نظامی، از توده و خلق مستضعف اطاعت و تسلیم جسم و نیروی کارش را می‌خواهد، از آگاهان و هنرمندان، اطاعت و تسلیم روحی و فکری را می‌طلبد و از آنها می‌خواهد تا همه قدرت اندیشه و ذوق و خلاقیت خود را خدمت وی بکار گمارند. از آن جا که این قشرها قبل از دیگران بر حقوق الهی خویش آگاهی دارند و ضرورت آنرا با تمام وجود حس می‌کنند به آسانی تسلیم چنین تحمیل ستمگرانه‌ای نمی‌شوند لکن بی‌رحمی و شکنجه‌ها و کشتارهای فرعون‌ی و انتقام‌های

وحشتناک از هر عنصر مقاوم و آزاده‌ای تدریجاً ترس را بر روح و جان غالب افراد این گروه حاکم می‌کند.⁷⁹

در این جا لازم به ذکر است که بعضی از عواملی که ما آنها را به عنوان عوامل انحطاط نام بردیم، علت ناقصه هستند. لذا به مقدار علت بودنشان تأثیر در انحطاط نیز دارند، و بعضی از علل مذکور حتی علت دائمی و همیشگی نیستند بلکه اموری هستند که غالباً اثرات انحطاطی در پی دارند.

اما یک جامعه و تمدن مترقی و رشد یافته جامعه‌ای است که مراحل صعود و ترقی را به سرعت پشت سر می‌گذارد و در آخرین مرحله صعود خود یک جامعه توحیدی و آرمانی را تشکیل می‌دهد. لذا خداوند سبحان تمامی حقایق و ضوابط و مقررات سعادت آفرین را برای بشر بیان فرموده تا انسان بتواند از کوتاه‌ترین، روشن‌ترین و مستقیم‌ترین راه به سعادت نایل گردد و به صعود اصلی که همان صعود معنوی و قرب الی الله است برسد. بنابراین عواملی چند موجب صعود و سربلندی تمدن‌ها و جوامع انسانی می‌شوند که اهم آنها عبارتند از:

1- توحید گرایی و تقوای پیشگی

قرآن کریم می‌فرماید:

«اگر مردم آبادی‌ها، راه توحید و تقوا در پیش می‌گرفتند بی‌تردید

برای آنها برکت‌هایی را از آسمان و زمین می‌گشودیم اما آنان تکذیب حق کردند پس به خاطر کارهای ناپسندشان آنان را مؤاخذه کردیم.»⁸⁰

به همین دلیل است که بین توحید گرایی و تقوای پیشگی یک رابطه کاملاً مستقیم و جاودانه وجود دارد و همین رابطه است که افراد جامعه و کل اجتماع را به صعود می‌رساند و به اعلی‌ترین مراتب انسان و کمال حقیقی سوق می‌دهد.

2- وجود پیامبران

با نگرش در آیات قرآن کریم به روشنی در می‌یابیم که تمامی پیامبران خدا یک

هدف واحد را تعقیب کرده‌اند و به یک آرمان و یک ایده‌آل مشترک دعوت نموده‌اند تا

بندگان خدا طریق خیر و شر را بشناسند و با قدم نهادن در طریق خیرات به سعادت و زندگی جاودانه نائل گردند.

3- رهبران شایسته

بدون شک، حیات ملت‌ها و جوامع، قائم به وجود رهبری است که حافظ جمع آنها باشد و اجتماع را بر پا نگه دارد و آنچه که موجب تقویت و استواری روح جمعی با خداست مانند نماز جمعه و جماعت را به پا دارد و موریان‌های جامعه را که تار و پود امت را از هم می‌گسلد ریشه کن نماید. چنین رهبری می‌تواند افراد اجتماع را از ظلمات و تاریکی‌ها، جهل و نادانی، خرافات و اوهام، استبداد و استعمار، بردگی شیاطین و... برهاند و با علم و آگاهی، قدرت سیاسی، خصائل و صفات رهبری خویش، زمینه صعود جامعه را به اعلی‌ترین مراتب فراهم آورد.

4- ایمان و عقیده:

ایمان به خدا و حقایق بزرگ معنوی و ارزش‌های توحیدی علاوه بر آثار و برکات ارزشمندی فردی و اجتماعی‌اش، نقش حیاتی و حساس و تعیین کننده‌ای در پیدایش جامعه‌ها و تمدن‌های سعادت‌مند و پیشرو داشته و دارد. در قرآن کریم (حدود 850 مرتبه) واژه ایمان با مشتقات گوناگونش بکار رفته است از جمله: «إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»⁸¹ «ما يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا»⁸²

5- عدالتخواهی

قرآن کریم تمامی مسائل و حقایق و معارف را به محور عدل و براساس قسط و حق استوار نموده و بذر عدالت و دادگری را بر دل‌ها و قلب‌ها و جان‌های عدالت خواه و حق طلب و تعالی جو می‌افشاند. در آیاتی پی در پی فرمان قیام همگانی به قسط و عدل و دادگری را ترسیم می‌کند⁸³ و در آیات دیگری هشدار می‌دهد که مبادا از شاهراه عدالت و قسط و دادگری انحراف جوئید.⁸⁴ رسول خدا (ص) می‌فرماید: کسی که در مالش با فقیر مواسات کند و به مردم از خود انصاف دهد، او مؤمن حقیقی است.⁸⁵

6- شکر نعمت

این نیز یکی از سنن الهی است که خداوند سبحان بر جامعه شاکر و سپاسگزار، نعمت‌ها را می‌افزاید و تداوم آن را تضمین می‌کند. آن جا که می‌فرماید: اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید، خدا شکرگزار و آگاه است. (اعمال و نیات شما را می‌داند، و به اعمال نیک پاداش نیک می‌دهد).⁸⁶ و می‌فرماید: پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم و شکر مرا گویند و (در برابر نعمت‌هایم) کفران نکنید.⁸⁷

قرآن کریم در کنار ذکر خدا، فرمان شکرگزاری می‌دهد و آدمی را از کفران نعمت بر حذر می‌دارد. شکر الهی باید به دنبال احساس فقر و نیاز به خدای بی‌نیاز باشد، آن گونه که وقتی بیماری درمانده را انسانی والا به رایگان درمان می‌کند، خضوعی همراه باشرمساری در او نسبت به آن شخص نیکوکار پیدا می‌شود و این حالت، فراتر از تشکر زبانی است. اگر انسان در برابر مخلوق خدا چنین است، در قبال خدای متعال که همه چیزش از اوست چگونه باید باشد؟ آری شکر زبانی، با آن حقیقت بلند الهی یعنی عالمانه خدا، فاصله ای فراوان دارد.⁸⁸

7- صبر و استقامت

یکی دیگر از عوامل سربلندی و اقتدار جامعه‌ها و تمدن‌ها صبر و مقاومت در برابر ناملایمات و رنج‌های گوناگون است، که شامل صبر و بردباری در برابر هواها و هوس‌ها، وسوسه‌ها، خودکامگی‌ها، مشکلات، کارشکنی، محرومیت‌ها، نقشه‌های شیطانی و .. می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

«پس همانگونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن، و همچنین کسانی

که با تو به سوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند) و طغیان نکنند، که

خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند.»⁸⁹

8- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از جمله فروع دین اسلام و احکام مهمی است که کاملاً جنبه اجتماعی و عمومی دارد. این حکم اگر برای یکایک مؤمنان الزام شرعی دارد و

آنان را به عمل وار می‌دارد، دیگران را نیز در عمل به احکام دین ملزم می‌کند و از تخلف باز می‌دارد. از این رو یک تکلیف و عبادت فردی محسوب می‌گردد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: همانا خدای سبحان مردم دوران گذشته را که پیش از شما بودند از رحمت خود دور نساخت، جز برای آنکه امر به معروف را وا گذاشتند و مردمان را از منکر باز نداشتند. پس خدای بی‌خبرانشان را به دلیل نافرمانی کردن و خردمندانشان را به دلیل مخالفت نکردن با گناه لعنت کرد⁹⁰.

9- تقوا و توکل

سنت الهی نشان می‌دهد که هر جامعه و تمدن و فردی که به راستی ایمان آورد و براستی تقوای الهی را پیشنه کند و براستی در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط به او توکل و اعتماد نماید وعده قطعی و صریح خداوند این است که برای رهایی و نجات و فلاح او راهی قرار می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید:

«هر کس تقوای الهی پیشنه کند خداوند راه بی‌نجاتی برای او

فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند.»⁹¹

10- جهاد

عزت و سیادت اجتماعی در گرو داشتن قدرت نظامی قوی و مجهز است و عنایت خداوند سبحان به جامعه اسلامی تا جایی است که می‌فرماید:

«خداوند با مؤمنین معامله می‌کند، جان و مالشان را می‌خرد و در

مقابل، به آنان بهشت می‌دهد که در راه خدا، جهاد و پیکار کنند. دشمن را

بکشند و کشته شوند. این وعده قطعی در تورات و انجیل و قرآن است.

این همانا رستگاری عظیمی است.⁹²

امام علی (ع) نیز درباره آثار جهاد - جهاد در راه خدا - در سرنوشت جامعه راه،

موجب سربلندی اسلام و عزت جامعه اسلامی معرفی می‌کند: جهاد در راه خدا قله بلند اسلام است.⁹³

II- مشارکت مردم

شورا و مشورت از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی است که بدون آن کارها ناقص است. یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد به موضوعات گوناگون تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد و ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند، اما هنگامی که موضوعی در شورا مطرح گردد و عقل‌ها و تجارب و دیدگاه‌های گوناگونی به کمک هم بشتابند، کار کاملاً پخته و کم‌عیب می‌گردد و از لغزش دور می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست.⁹⁴ به همین دلیل است که پیشوایان نور و عدالت نیز در اداره امور جامعه اصیل تعالی بخش شور و مشاوره در امور را از اوامر خداوند دانسته و آن را از نشانه‌های ایمان و از مشخصه‌های نظم عادلانه و توحیدی معرفی می‌نماید.

12- اصلاحگری

اصلاحگری به معنای حقیقی کلمه از ویژگی‌های امت‌های سربلند تاریخ است و به مفهوم اصلاح دل‌ها و قلب‌ها و جان‌ها، اصلاح اندیشه‌ها و فکرها و مغزها و عقیده‌ها، اصلاح جامعه و تمدن، اصلاح در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، فردی، و در همه میدان‌ها و سطوح و جنبه‌ها، محور هرگونه عصیان و طغیان و حق‌کشی، و در یک کلام آراستن ارزش‌های والای الهی و انسانی و پیراستن ضد ارزش‌هاست. بنابراین یکی از اسباب فلاح و نجات بشریت و یکی از عوامل پیشرفت، ترقی و صعود جوامع اسلامی محسوب می‌شود.

13- اخلاص

در آیات متنوعی از قرآن کریم، ضمن هشدارهای تکان دهنده به بندگان خدا از تسویلات و اغواگری‌ها و تزئینات شیطان به منظور گمراهی و اسارت فرزندان آدم، واقعیت مورد بحث (اخلاص) به صورت جالبی ترسیم شده است که اگر انسان و جامعه انسانی به توحید گرائی و اخلاص روی آورد و در میدان بینش و گرایش و عملکرد بدان پای بند باشند و مراحل آن را طی کنند به مرحله‌ای می‌رسند که شیطان از نفوذ و سوسه‌هایش در آن

مأیوس می‌شود و چنین فرد و یا جامعه خالص شده و تطهیر گشته و تهذیب شده‌ای در حقیقت بیمه الهی می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: شیطان گفت: پروردگارا به عزت سوگند که همه آنها (بندگان) را گمراه می‌کنم مگر بندگان مخلصت را.⁹⁵

14- پیروی از قرآن کریم

قرآن کریم با آیات روح بخش خود، نقش حساس و سرنوشت سازی در تعالی جامعه‌ها و رشد و شکوفایی تمدن‌ها ایفاء می‌کند. برخی از آیات قرآن، ایمان و باور استوار به خدا را باعث گشایش درهای برکات آسمان و زمین به روی انسان و شکوفا شدن رابطه طبیعت با انسان قلمداد می‌کند و برخی دیگر نمایشگر این واقعیت است که نجات از خوف و حزن و دلهره و نگرانی و برخورداری از امنیت درونی و برونی تنها در پرتو توحید گرایی و تقوا پیشگی میسر است.

15- آراستگی به معیارهای اخلاقی

یک جامعه و یک تمدن هنگامی می‌تواند به حیات سعادت‌مند خود ادامه دهد و به بقاء و تکامل خود امیدوار باشد که ارزش‌های اخلاقی در تمام زوایای وجودی آن حاکم باشد تا همگان بدور از ریاکاری و ظاهر سازی و اخلاق پوچ انتفاعی صمیمانه، ضوابط اخلاقی را رعایت کنند و به عنوان یک رسالت بشری در روابط فردی، خانوادگی، فرهنگی، تبلیغاتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دیگر میدان‌های حیات، تعهدات اخلاقی را محترم شمارند و با خدا و خلق و نفس و طبیعت براساس حاکمیت معیارها و ملاک‌ها و مقیاس‌های اخلاقی تنظیم برنامه کنند. برخی از مهم‌ترین معیارهای اخلاقی عبارتند از: تواضع، شکرگزاری، خوش خلقی، پیوستن به راستگویان، وفای به عهد، قرض نیکو، انفاق

و ..

جوامع بشری از بدو پیدایش رو به تکامل و پیشرفت بوده‌اند. همان طور که تکامل طبیعی تدریجاً رخ می‌دهد. تکامل اجتماعی هم تدریجاً به وجود می‌آید و هر چند زمان گذشته، بر سرعت تکامل اجتماعی افزوده شده است.⁹⁶ اما این که چه جامعه‌ای به سوی سعادت و تکامل پیش خواهد رفت، در پاسخ باید گفت جامعه‌ای که موانع تکامل را از بین برد. برخی از موانع تکامل عبارتند از: فساد روحی، گناه و زنگار قلب، مختوم شدن دل‌ها، پیروی از عادات نامطلوب پدران، بزرگان و شخصیت‌ها و پیروی از ظن.⁹⁷

قرآن کریم می‌فرماید: اراده حتمی خدا، به این گونه در زمین تجلی می‌کند که مستضعفین، امام و وارثین زمین شوند⁹⁸، یعنی جامعه الهی در طول تاریخ، گاهی قاهر و زمانی مقهور به حرکت خود ادامه می‌دهد، اما در این فراز و نشیب‌ها، این جامعه الهی، موجودیت خود را حفظ می‌کند و به سویی می‌رود که معارف، قانون و احکام الهی، عدالت را جهان شمول کند و تمامی جوامع منحط و کافر را مضمحل نماید.

بنابراین، وعده حتمی الهی که همان خواست مطابق اراده اوست، بر آن است که جز جامعه و اجتماعی صالح در نهایت تاریخ، جامعه‌ای بر زمین حاکم نباشد، و این به دنبال همان حرکت جوامع الهی است که به وسیله اقوام صالح و سلحشور در طول تاریخ حرکت می‌کند و رنج دیدگان با مصائب و مشکلات در راه، هر چند عظیم باشد مقابله می‌کنند تا به خواست الهی بر همه چیز چیره شوند. و خداوند خوف آنان را به امنیت مبدل نموده، درهای خیر و برکتش را می‌گشاید و صراط مستقیم را می‌نمایاند تا پاکان و خالصان طریقتش واصلان به کوی دوست گردند و زمین را به میراث برند و

«کلام خدای تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسید و

هیچکس تبدیل و تغییر آن کلمات نتواند کرد.»⁹⁹

نتیجه گیری

با بررسی انجام شده در مقاله فوق چنین به دست می‌آید که: بر تاریخ و جوامع بشری ضوابط و سنن جهان شمول و تخلف ناپذیری حاکم است. سنن و قوانینی که پرتوی از حاکمیت و اراده خداوند است و ضوابطی که خداوند سبحان طبق اراده حکیمانه‌اش در چارچوب آنها عمل می‌کند. به همین دلیل، قانون و سنت و ضابطه خداوند ثابت است و تبدیل ناپذیر، در شرایطی مشخص به جامعه‌ای با ویژگی‌های خاص عزت و استقلال و قدرت می‌دهد و در شرایطی معین و براساس ضابطه ذلت و خفت و اسارت. هم چنان که می‌فرماید: «وَإِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا»¹⁰⁰ اگر شما براه راست باز گردید رحمت خدا شامل حال شما می‌شود و اگر بار دیگر بفساد باز گردید ما هم به عقوبت و کیفر و تسلط دشمن بر شما و ذلت و خفت و اسارت شما باز می‌گردیم.

بنابراین، هیچ شکی باقی نمی‌ماند که جهت رهایی، آزادگی، عزت، شوکت، اقتدار

و اعتلاء ارزش‌ها و معیارهای انسانی و الهی و در نهایت وصول به آینده آرمانی راهی نیست جز این که گرد و غبار ناهنجاری را از چهره جوامع بزدایم و با اندیشه و تدبیر؛ فضیلت‌ها، شرافت‌ها، کرامت‌ها و ارزش‌های الهی را در جامعه به کار بندیم و با حذف هر آنچه به عنوان ضد ارزش تلقی می‌شود، آینده تاریخ را در مسیر دلخواه تغییر دهیم. چرا که رسیدن به آینده روش غیرممکن نیست اگر چه هر امری در ابتدای طریق، با برخی مرارت‌ها و مشقت‌ها همراه است اما خیر و سعادت و سربلندی که در پایان حاصل می‌شود بر پایه صبر و ایمان و بردباری و توکل بر خداوند سبحان است.

- 1- رادمنش، عزت‌الله: تاریخ در قرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، 1368، ص 40.
- 2- جبران مسعود، ترجمه دکتر رضا انزابی نژاد، فرهنگ الفبائی الرائد، چاپ سوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ج 1، ص 983.
- 3- افرام البستانی، فؤاد، مترجم محمد بند ریگی، فرهنگ جدید عربی فارسی منجد الطلاب، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات اسلامی، 1377 ش، ص 258.
- 4- سوره القصص / آیه 59 «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِ رُسُلًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا».
- 5- سوره انفال / آیه 38.
- 6- سوره اسراء / آیه 77.
- 7- نساء / آیه 26.
- 8- سوره القصص / آیه 59 «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِ رُسُلًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا».
- 9- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، 1379 ش، ص 436.
- 10- سوره‌های هود و مؤمنون.
- 11- سوره نوح / آیه 23: «وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا».
- 12- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، 1417 ق، 1997 م، ج 10، ص 256.
- 13- سوره‌های اعراف، هود، نوح.
- 14- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، 1417 ق، 1997 م، ج 10، ص 256.
- 15- سوره هود / آیه 40: «حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ».

- 16- سوره قمر / آیات 11 و 12: فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ - وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ.
- 17- سوره الفجر / آیه 8 «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ - إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ - الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ».
- 18- سوره الذاریات / آیات 41 و 42: وَ فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ - مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتُهُ كَالرِّمِيمِ - و بر ایشان «باد نازا» بدون ثمر فرو فرستاد که هر چیز را که بر او می‌ورزید همانند خاکستر می‌کرد.
- 19- سوره الحاقه / آیات 6 و 7: أَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحِ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ - سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمِينَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَخْلٍ خَاوِيَةٌ - باد تند صرصر (دارای ذاتی سرد) در روزگاران نحس (هفت شب و هشت روز متوالی) از آن که گویی مردم مانند چوب‌های توخالی درخت خرما کنده شده، به این طرف و آن طرف و به خاک می‌افتادند.
- 20- سوره القمر / آیات 18 و 19 و 20: كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرٍ - إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ - تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ - و باد مردم را چون پاره‌های چوب خشک خرما از بیخ می‌کند.
- 21- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت، 1417 ق، 1997 م، ج 10، ص 318.
- 22- بنابر آنچه اسم پیامشان دلالت بر آن دارد که او هم از آن قوم بود (قوم هود را) که پس از قوم عاد بوجود آمدند.
- 23- سوره هود / آیه (65) فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَذَابٌ غَيْرٌ مُكَذَّبٍ.
- 24- سوره هود / آیه 62، نمل / آیه 49.
- 25- سوره هود، شعرا و ..

26- سوره اعراف / آیه 74 : «وَ اذْكُرُوا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْجِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللّٰهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ.»

27- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت، 1417 ق، 1997 م، ج 10، ص 329.

28- سوره اعراف / آیه 77 «قَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» .

29- نجفی علمی، محمد جعفر، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1371 ش، ص 187.

30- سوره سبأ / آیه 15 «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ» « قرآن کریم می فرماید : برای قوم «سبأ» در محل سکونت شان نشانه ای (از قدرت الهی) بود. دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه های فراوان، و به آنها گفتیم) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به حا آرید، شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان).

31- تا جایی که از خدا خواستند که سفرهای آنها را طولانی کند، یعنی بین این قریه های آباد فاصله بیفتد و بیابانهای خشک پیدا شود، به این جهت که ثروتمندان مایل نبودند افراد کم درآمد همانند آنها سفر کنند و به هر جا می خواهند، بی زاد و توشه و مرکب بروند. گویا راحتی و رفاه آنها را ناراحت کرده.

32- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهل و دوم، 1381 ش. ، ج 18، ص 56.

33- سوره سبأ / آیه 16 و 17 «فَاغْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِيْ اُكُلٍ خَمْطٍ وَ اَثَلٍ وَ شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيْلٍ ذَلِكِ جَزَآئِنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِيْ اِلَّا الْكٰفِرَ.»

34- سوره هود / آیه 84 و 85 و غیر آن : وَ إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ - وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ - با وجود این یکی از صفات بارز آنها بت پرستی بود. پس بین ایشان فساد شایع شد و کم فروشی به اینکه «کیل» را کم قرار می دادند.

35- سوره اعراف، هود و سوره های دیگر.

36- سوره هود / آیه 93 : وَ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ.

37- سوره شعراء / آیه 189 : فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ.

38- سوره هود / آیه 85 : وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

39- برداشتی از جامعه و تاریخ و سنن اجتماعی در قرآن، ص 193.

40- سوره قصص / آیه 8 : فَالْتَفِطَةُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ.

41- سوره بقره / آیه 49 : وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ.

42- سوره یونس / آیه 88.

43- برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، ص 196.

44- سوره عنکبوت / آیه 65 «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَاؤُ اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ».

45- سوره رعد / آیه 11.

46- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ

چهل و دوم، تهران 1381 ش.، ج 10، ص 45.

47- سوره یس / آیه 30 «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ».

- 48- سوره فصلت / آیه 13 «فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ».
- 49- الطریحی، فخرالدین، تحقیق احمد الحسینی، مجمع البحرین، المكتبة المرتضویه، تهران، بی تا.، ج 5، ص 30.
- 50- سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشرق، بی تا، ج 4، ص 2217.
- 51- سوره سبأ / آیه 35 و 34 «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ وَ قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ».
- 52- پایدار، حبیب الله (پیمان)، حیات و مرگ تمدن‌ها، انتشارات قلم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران 1357 هـ ش، ص 28.
- 53- سوره انعام / آیه 157.
- 54- سوره بقره / آیه 140.
- 55- سوره بقره / آیه 229.
- 56- سوره توبه / آیه 23.
- 57- سوره صف / آیه 7.
- 58- سوره بقره / آیه 140.
- 59- سوره توبه / آیه 25 «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ».
- 60- قانع غرابادی، احمد علی، علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، 1371 هـ ش، ص 24.
- 61- سوره آل عمران / آیه 103 «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا».
- 62- سید رضی (ره)، مترجم: محمد دشتی، نهج البلاغه، چاپ بیست و دوم، قم، موسسه الهادی، 1381 ش.، خطبه 123 / آیه کانی انظر اليکم تکشون الضباب: لا تاخذون حقا، و لا تمنعون ضیما، قد خلیتم و الطریق، فالنجاه للمقتحم، و الهلکه للمتلوم.
- 63- سوره یونس / آیه 82 «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ».
- 64- کرمی فریدنی، علی - ظهور و سقوط تمدن‌ها - قم اسفند 1367، ص 107.

- 65- سوره نسا / آیه 6 «وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا».
- 66- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت، 1417 ق، 1997 م، ج 1، ص 212.
- 67- سوره مائده / آیه 51 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» .
- 68- غرر الحکم، ج 2، ص 864 «يستدل على ادبار الدول باریع : تضييع الاصول و التمسک بالفروع و تقديم الا راذل و تاخير الافاضل».
- 69- سوره مطففين / آیه 4 تا 1 «وَيَلِّ لِّلْمُطَفِّفِينَ - الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ - وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِّنُوهُمْ يَخْسِرُونَ - أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ».
- 70- الهاشمی الخوئی، میرزا حبيب الله، (1324 - 1261 هـ ق) منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران، المكتبه الاسلاميه، چاپ چهارم، 1405 هـ ق، ج 9، ص 304 «لعن رسول الله الربا و آكله و بايعه و مشريه و كاتبه و شاهده».
- 71- سوره نوح / آیه 7 «وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَ اسْتَمَغَنُوا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا».
- 72- سوره اعراف / آیه 123.
- 73- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، طلوع و غروب تمدن ها، انتشارات بعثت، چاپ اول، 1351 هـ ش. تهران، ص 122.
- 74- کرمی فریدنی، علی: ظهور و سقوط تمدن ها، قم، بی تا، اسفند 1367 ص 165.
- 75- همان، ص 164.
- 76- سوره آل عمران / آیه 180: آنها که بخل میورزند و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده انفاق نمی کنند، گمان نکنند برای آنها خیر است، بلکه برای آنها شر است، به زودی در روز قیامت آنچه را در باره آنان بخل ورزیدند همانند طوقی به گردن آنها می افکنند و میراث آسمانها و زمین از آن خدا است و خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

- 77- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، الطبعة الاولى، دار احیاء التراث العربی، بیروت 1406 ق.، ج 2، ص 896 «ما من رجل لا یودی ذا رحمہ یساله من فضل اعطا الله اياه فیبخل به عنه الما اخراج الله له من جهنم شجاعا یتلمظ بلسانه حتی یطوقه و تلاهذه المایه».
- 78- سید رضی (ره)، مترجم: محمد دشتی، نهج البلاغه، چاپ بیست و دوم، قم، موسسه الهادی، 1381 ش. حکمت 164 «من قضی حق من لما یقضی حقه فقد عبده».
- 79- پایدار، حبیب الله (پیمان)، حیات و مرگ تمدن‌ها، انتشارات قلم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1357 هـ.ش، ص 54.
- 80- سوره اعراف / آیه 96 «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».
- 81- سوره حج / آیه 38 «خداوند مدافع اهل ایمان است.».
- 82- سوره نساء / آیه 147 «اگر شما ملتی سپاسگزار و شاکر باشید و ایمان آورید خداوند چه غرضی دارد که شما را عذاب کند در حالیکه خداوندی دانای شکر پذیرنده است.».
- 83- آیات 8 و 42 سوره مائده، آیه 15 شوری، آیه 90 سوره نحل و آیه 25 سوره حدید و...
- 84- سوره سبأ آیه / 135 و سوره مائده / آیه 8.
- 85- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ج 3، ص 214 تا 218 / آیه من و اسی الفقیر من ماله و انصف الناس من نفسه فذلک المؤمن حقا.
- 86- سوره نساء / آیه 147 «ما یفعلُ اللهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ وَ كَانَ اللهُ شَاكِرًا عَلِيمًا».
- 87- سوره بقره / آیه 152 «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ».
- 88- جوادی عاملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج 14، ص 246.
- 89- سوره هود / آیه 112 «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

90- سید رضی (ره)، مترجم: محمد دشتی، نهج البلاغه، چاپ بیست و دوم، قم، موسسه الهادی، 1381 ش. خطبه 192/ آیه فان الله سبحانه لم يلعن القرن الماضي بين ايديكم الا لنزكهم الامر بالمعروف و النهي عن المنكر فلعن الله السفها الركوب المعاصي و الحكما لنزك التناهي.

91- سوره طلاق 3 و 2 «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا - وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ».

92- سوره توبه / آیه 111 «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».

93- سید رضی (ره)، مترجم: محمد دشتی، نهج البلاغه، چاپ بیست و دوم، قم، موسسه الهادی، 1381 ش، خطبه 110 «الجهاد في سبيله، فانه ذروه الاسلام..».

94- سوره شوری / آیه 28 «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ».

95- سوره ص / آیه 83 «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ».

96- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، 1379 ش، ص 10 و 11.

97- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص 241.

98- سوره قصص / آیه 5 «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» .

99- سوره انعام / آیه 115 «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ».

100- سوره اسراء / آیه 7.

- 1- قرآن کریم.
- 2- آمدی، عبدالواحد (س 5 هـ ق)، ترجمه علی انصاری، غرر الحکم، تهران، بی تا، بی نا.
- 3- افرام البستانی، فؤاد، مترجم محمد بند ربگی، فرهنگ جدید عربی فارسی منجد الطلاب، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات اسلامی، 1377 ش.
- 4- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، طلوع و غروب تمدن‌ها، انتشارات بعثت، 1351 هـ ش. تهران.
- 5- پایدار، حبیب الله (پیمان)، حیات و مرگ تمدن‌ها، انتشارات قلم، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1357 هـ ش.
- 6- جبران مسعود، ترجمه دکتر رضا انزابی نژاد، فرهنگ الفبائی الرائد، چاپ سوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، جلد 1، بی تا.
- 7- جوادی عاملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، 1378 ش، قم.
- 8- رادمنش، عزت‌الله: تاریخ در قرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، 1368.
- 9- سیاح، احمد مترجم، فرهنگ دانشگاهی 1، ترجمه المنجد الطلاب، انتشارات فرحان، 1379 ش.
- 10- سید رضی (ره)، مترجم: محمد دشتی، نهج البلاغه، چاپ بیست و دوم، قم، موسسه الهادی، 1381 ش.
- 11- سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشرق، بی تا، ج 4.
- 12- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، 1417 ق، 1997 م.
- 13- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1406 ق.
- 14- الطریحی، فخرالدین، تحقیق احمد الحسینی، مجمع البحرین، تهران، المکتبه المرتضویه، بی تا.

- 15- قانع غرآبادی، احمد علی، علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران 1371 هـ.ش.
- 16- کرمی فریدنی، علی : ظهور و سقوط تمدن‌ها، قم بی تا اسفند 1367.
- 17- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، به قلم حاج سید مصطفوی، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، تهران، جلد 3 بی تا.
- 18- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، 1379 ش.
- 19- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهل و دوم، 1381 ش.
- 20- نجفی علمی، محمد جعفر، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1371 ش .
- 21- الهاشمی الخوئی، میرزا حبیب الله، (1324 - 1261 هـ.ق) منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، 1405 هـ.ق.